

Designing an intervention (based on legal systems) for the civic education of law-abiding citizens in female criminals

Maryam Shahverdi¹ | Seyedeh Asma Hosseini² | Mahdi Abbasi³ | Roshanak Khodabakhsh Pirkalani⁴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8

65

Vol. 32
 winter 2024
 P.P: 153- 174

Research Paper

Received: 17 September 2023
 Revised: 20 January 2024
 Accepted: 26 June 2024
 Published: 19 February 2025

ISSN: 2251-6972
 E- ISSN: 2645-5196



Abstract

The aim of this research was to design an intervention for civic education of law-abiding citizens in female offenders and to determine its effectiveness on enhancing their law-abidingness. The research design used in this study was a single-subject design. The intervention designed was based on legal systems and consisted of 6 therapeutic sessions for this study. The main concepts of the intervention included activating the innate functions of reason, moving from rational judgment to empathy with others, activating social empathy, moving from empathy with others to activating conscience, facilitating conscience by strengthening self-esteem (analysis and control of shame) and acting lawfully. To conduct the research, three offenders who had been referred to Amin Clinic by the judiciary and the criminal deputy of Qom were selected. Then, all three underwent 6 sessions of law-abiding intervention and completed the law-abiding questionnaire as baseline, during and follow-up tests in the format of an ABA research design. The data were analyzed descriptively and based on visual analysis (level, trend, variability). The results showed that the law-abiding intervention had a positive effect on the law-abidingness of female offenders. Based on this finding, it was suggested that the intervention designed for law-abidingness be used for civic education of law-abiding citizens. Keywords: civic education, law-abidingness, female offenders.

Keywords: Civic education, law-abiding, female criminals

1. Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

2. Corresponding Author: Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology Alzahra University, Tehran, Iran. s.a.hosseini@alzahra.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Psychology, Quran and Hadith Research Institute, Qom, Iran.

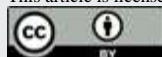
4. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Shahverdi, M., Hosseini, S. A., Abbasi, M., & Khodabakhsh Pirkalani, R. (2025). Designing an intervention (based on legal systems) for the civic education of law-abiding citizens in female criminals. *Research in Islamic Education Issues*, 32(65), 153–174.

Publisher: Imam Hussein University

 **Authors**

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).





تصميم تدخل (فأتم على الأنظمة القانونية) لتربية المواطن المدنيه للمواطن

القانوني في النساء المجرمات

مریم شاهوردی^۱، سیده أسماء حسینی^۲، مهدی عباسی^۳، روشنگر خدابخش بیر کلانی^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8

رقم
۶۵

المجلد ۳۲

شنتاء ۱۴۴۶

I

ورقة البحث

I

تاریخ الاستلام: ۱۴۴۴ / ۳ / ۱۱
تاریخ المراجعة: ۱۴۴۶ / ۵ / ۲۵
تاریخ القبول: ۱۴۴۶ / ۸ / ۳۰
تاریخ النشر: ۱۴۴۶ / ۹ / ۲۰

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



الملخص

هدف هذا البحث هو تصميم تدخل لتربية المواطن المدنيه للمواطن القانوني في النساء المجرمات وتحديد فعاليتها في تعزيز الالتزام بالقانون لديهن. التصميم البحثي المستخدم في هذا البحث هو تصميم اختبار واحد. التدخل المصمم يستند إلى الأنظمة القانونية ويتضمن 6 جلسات علاجية والمفاهيم الرئيسية لها هي تفعيل الوظائف الطبيعية للعقل، الانتقال من التمييز العقلائي إلى التعاطف مع الآخرين، تفعيل التعاطف الاجتماعي، الانتقال من التعاطف مع الآخرين إلى تفعيل الضميرية، تسهيل الضميرية بتعزيز الكرامة الذاتية (تحليل والسيطرة على الخجل) والعمل بالقانون. لتنفيذ البحث، تم اختيار ثلاثة من المجرمين الذين تم إحالتهم إلى عيادة أمين أرجا بناء على رسالة من القضاء والنائب الجنائي لمدينة قم. ثم خضع كل منهم لست جلسات من التدخل القانوني واستكملوا استبيان الالتزام بالقانون كاختبارات للخط الأساسي، أثناء التنفيذ والمتابعة ضمن بحث بتصميم ABA. تم تحليل البيانات بطريقه وصفية وبناء على تحليل بصري (المستوى، الاتجاه، التغير). أظهرت النتائج أن التدخل القانوني له تأثير إيجابي على الالتزام بالقانون لدى النساء المجرمات. استنادا إلى هذه النتيجة، تم اقتراح استخدام التدخل المصمم للالتزام بالقانون لتربية المواطن المدنيه للمواطن القانوني

الكلمات المفتاحية: التربية المدنيه، الالتزام بالقانون، النساء المجرمات.

۱ ماجستير، علم النفس الإكلينيكي، كلية العلوم التربوية والنفسية، جامعة الزهراء، طهران، إيران. البريد الإلكتروني

S.A.Hosseini@Alzahra.ac.ir

۲. قسم علم النفس، كلية التربية والعلوم النفسية، جامعة الزهراء، طهران، إيران. البريد الإلكتروني

۳. أستاذ مساعد، قسم علم النفس الإسلامي، معهد القرآن والحديث، قم، إيران. البريد الإلكتروني

۴. أستاذ مشارك، قسم علم النفس، كلية علم النفس، جامعة الزهراء، طهران، إيران. البريد الإلكتروني

الاقتباس: شاهوردی، مریم وحسینی، سیده أسماء وعباسی، مهدی وخدابخش بیر کلانی، روشنگر (۱۴۰۳)، تصميم تدخل يعتمد على الأنظمة

القانونية للتربية المدنيه وتقنين المجرمات، البحث في قضايا التربية الإسلامية، ۳۲(۶۵)، ۱۵۳-۱۷۴، DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8>

20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع) © المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





طراحی مداخله‌ای مبتنی بر نظامات قانونی برای تربیت مدنی و قانونی‌پذیری زنان مجرم

مریم شاهوردی^۱ | سیده اسماء حسینی^{۲*} | مهدی عباسی^۳ | روشنگر خدابخش پیر کلانی^۴

DOR: 20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8

شماره
۶۵

سال سی و دوم
زمستان ۱۴۰۳
صص: ۱۷۴ - ۱۵۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۶ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۳۰ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۶ تیر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۰۱ اسفند ۱۴۰۳

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

هدف این پژوهش طراحی مداخله‌ای برای تربیت مدنی شهروند قانون‌پذیر در زنان مجرم و تعیین اثربخشی آن بر ارتقای قانون‌پذیری آنها بود. طرح پژوهشی استفاده شده در این پژوهش یک طرح تک‌آزمودنی است. مداخله طراحی شده بر اساس نظامات قانونی بوده که برای این پژوهش شامل ۶ جلسه درمانی بود و مفاهیم اصلی آن شامل فعال‌سازی کارکردهای فطری عقل، عزیمت از تشخیص عقلانی به همدلی با دیگران، فعال‌سازی همدلی اجتماعی، عزیمت از همدلی با دیگران به فعال‌سازی وجدان‌گرایی، تسهیل وجدان‌گرایی با تقویت کرامت نفس (تحلیل و کنترل شرم) و اقدام به قانون‌پذیری بود. به منظور اجرای پژوهش، سه نفر از مجرمانی که بر اساس نامه دادگستری و معاونت کیفری شهرستان قم به کلینیک آمین ارجا داده شده بودند انتخاب شدند. سپس هر سه نفر تحت ۶ جلسه مداخله قانون‌پذیری قرار گرفتند و قالب یک پژوهش با طرح ABA، پرسشنامه قانون‌پذیری را به عنوان آزمون‌های خط پایه، حین اجرا و پیگیری تکمیل کردند. داده‌ها به روش توصیفی و بر اساس تحلیلی بصری (سطح، روند، تغییرپذیری) تحلیل شد. نتایج نشان داد که مداخله قانون‌پذیری بر قانون‌پذیری زنان مجرم اثر مثبت دارد. بر اساس این یافته پیشنهاد شد که جهت تربیت مدنی شهروند قانون‌پذیر از مداخله طراحی شده برای قانون‌پذیری استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت مدنی، قانون‌پذیری، زنان مجرم.

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه روانشناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
۴. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

استناد: شاهوردی، مریم و حسینی، سیده اسماء و عباسی، مهدی و خدابخش پیر کلانی، روشنگر (۱۴۰۳)، طراحی مداخله‌ای مبتنی بر نظامات قانونی برای تربیت مدنی و قانونی‌پذیری زنان مجرم، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲(۶۵)، ۱۷۴-۱۵۳.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516972.1403.32.65.7.8>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است

مقدمه و بیان مسئله

تربیت مدنی یکی از مفاهیم کلیدی در بحث جامعه مدنی است که به توانایی افراد برای شرکت فعال و مسئولانه در زندگی اجتماعی و سیاسی اشاره دارد. تربیت مدنی نه تنها به ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های مدنی مربوط می‌شود، بلکه به مهارت‌ها، دانش‌ها و رفتارهایی که لازم است برای حفظ و تقویت جامعه مدنی به کار گرفته شوند. تربیت مدنی می‌تواند به افزایش قانون‌پذیری، حقوق شهروندی، حاکمیت قانون، حمایت از حقوق بشر، تعدیل قدرت، مشارکت سیاسی، تعامل اجتماعی، تحمل و تعددگرایی، تعاون و همکاری، توسعه پایدار و صلح منجر شود (رحیمی، ۱۳۹۸).

یکی از زمینه‌هایی که تربیت مدنی می‌تواند در آن تأثیر مثبت داشته باشد، پیشگیری از جرم و بزهکاری است. برخی از عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و روانی می‌توانند باعث شوند که افراد به راه‌های غیرقانونی برای رسیدن به اهداف خود پناه ببرند و با قواعد و ارزش‌های جامعه مدنی در تضاد قرار گیرند. این افراد ممکن است از قانون‌پذیری، احترام به حقوق دیگران، تعهد به مسئولیت‌های شهروندی، اعتماد به نهادهای دولتی و مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک کاسته شوند و به جای آن به خشونت، تبعیض، فساد، تروریسم و افراط‌گرایی گرایش پیدا کنند (بیژنی میرزا و همکاران، ۱۳۹۷).

افزایش آمار جرائم برای جامعه پیامدهای گسترده و نامطلوبی به همراه دارد. جرائم بیشتر در جامعه منجر به افزایش ناامنی و ترس در بین افراد می‌شود. افزایش جرایم می‌تواند باعث کاهش اعتماد عمومی و ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی شود. وجود جرم و جنایت ایجاد محدودیت‌ها و محدودیت‌هایی را برای افراد فراهم می‌کند و زندگی روزمره آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اورویسکا و هودسون، ۲۰۰۳). همچنین با ازدیاد وقوع جرم در جامعه روند رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. رفع و پیشگیری از جرم و جنایت هزینه‌های زیادی را از جمله هزینه‌های اموال آسیب دیده و هزینه‌های نیروی انسانی در حوزه قضایی و امنیتی به دنبال دارد. بنابراین، افزایش آمار جرائم تأثیرات منفی قابل توجهی روی جامعه دارد و

1 Orviska, & Hudson,

نشان می‌دهد که باید توجه و همکاری جدی در زمینه پیشگیری از جرم و تقویت نظام قضایی و امنیتی صورت گیرد. بنابراین، دولت‌ها همواره به دنبال راهکارهایی برای کاهش جرائم در جامعه هستند. بنابراین، تربیت مدنی می‌تواند یک راهکار اجتماعی برای پیشگیری از جرم و بزهکاری باشد که با ایجاد و تقویت قابلیت‌های مدنی در افراد، آن‌ها را قادر می‌سازد که به صورت مسئولانه، همکارانه و مشارکتی در زندگی اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و از ارتکاب اعمال غیرقانونی و ضداجتماعی پرهیز کنند. تربیت مدنی می‌تواند در محیط‌های مختلفی مانند خانواده، مدرسه، رسانه، محل کار، مراکز فرهنگی و هنری، سازمان‌های مدنی و حتی زندان‌ها انجام شود و با استفاده از روش‌های مختلفی مانند آموزش، تربیت، مشاوره، راهنمایی، تشویق، تنبیه، بازخورد، الگوپذیری، تعامل، گفتگو، بازی، تمرین، شبیه‌سازی و غیره به اهداف خود برسد (احمدی، ۱۳۹۹). یکی از مهمترین راهکارها برای تربیت مدنی، افزایش قانون‌پذیری در افراد جامعه است. افزایش قانون‌پذیری در افراد جامعه می‌تواند به کاهش آمار جرائم منجر شود. این عمل به طور معمول از طریق توجیه معنوی، تبیین قوانین، اعمال عدالت و آگاهی افراد از ابعاد اخلاقی و اجتماعی رفتارهای غیرقانونی انجام می‌شود (بورزل و سدرمیل، ۲۰۱۷).

قانون‌پذیری^۱ به عنوان یک متغیر روانشناختی، به تمایل افراد برای رعایت قوانین و مقررات جامعه اشاره دارد. در واقع، قانون‌پذیری نشان‌دهنده تمایل و توانایی افراد در قبول و رعایت قوانین و مقررات اجتماعی است. عوامل شخصیتی، ارزش‌ها، اعتقادات، عقاید دینی، اخلاقیات شخصی و سطح آگاهی قانونی، همه در قانون‌پذیری تأثیرگذار هستند. فردی که عدالتخواهی بالا و احترام به حقوق دیگران را درون خود تقویت کرده باشد، احتمالاً دارای قانون‌پذیری بیشتری است (کوربونووا^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). اعتماد افراد به نظام حقوقی و قضائی می‌تواند بر قانون‌پذیری آنها تأثیرگذار باشد. وقتی که افراد اعتماد کافی به قوانین، روند داوری و اعمال عدالت داشته باشند، بیشتر به رعایت قوانین تمایل خواهند داشت. همچنین، نوع و میزان پاداش و مجازات‌های مرتبط با رعایت و نقض قوانین نقش مهمی در قانون‌پذیری افراد ایفا می‌کند. برای افزایش قانون‌پذیری، محدودیت‌ها و مجازات‌ها باید مناسب و متناسب با جرم و جنایت باشند و به طور عمومی

1 Börzel, & Sedelmeier

2 law-abiding

3 Kurbonova

به انتظارات قانونی جامعه پاسخ دهند. در کل، قانون‌پذیری نتیجه تأثیرگذاری عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی است که باعث می‌شود افراد تمایل بیشتری به رعایت قوانین و مقررات جامعه داشته باشند. افزایش قانون‌پذیری در جامعه می‌تواند به کاهش آمار جرائم و تسهیل اجتماعی و اقتصادی منجر شود (شک^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

با توجه به اهمیت قانون‌پذیری، موضوع تربیت مدنی^۲ شهروند قانون‌پذیر مطرح می‌شود. تربیت مدنی یا تربیت شهروندی به فرایند آموزش و پرورش دادن ارزش‌ها، مسئولیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز برای تبدیل فرد به یک شهروند مسئول و آگاه از حقوق و وظایف اجتماعی اشاره دارد (واناسینگه^۳، ۲۰۲۲). چنانچه جوهره اساسی مفهوم تربیت مدنی نیز در فراهم آوردن قابلیت‌هایی در افراد برای ایفای نقش در برقراری این توازن جلوه‌گر می‌شود. با توجه به این تحلیل، از حیث نظری، انجام تربیت مدنی در جامعه ما ممکن محسوب می‌شود زیرا توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت، از جهت فرهنگ دینی ما نیز پذیرفتنی است. از حیث عملی نیز می‌توان تربیت مدنی را ممکن شمرد زیرا با این که شکل‌گیری فرهنگ مدنی و مستلزم تدریج است، تعلیم و تربیت، با بهره‌وری از تجربیات بشری، عهده‌دار کوتاه‌کردن راه‌ها و حتی تصحیح آنهاست. با این حال، تربیت مدنی فرایندی دارد که طی آن با فراهم آمدن توانایی‌ها و قابلیت‌هایی شناختی، عاطفی و عملی در افراد، زمینه وقوع توازن مذکور مهیا می‌شود.

لذا این فرآیند شامل آموزش اصول اخلاقی، قوانین جامعه، مهارت‌های اجتماعی، همکاری و احترام به تفاوت‌ها، مشارکت در جامعه و حل مسائل اجتماعی است (کمپبل^۴، ۲۰۲۳). تربیت مدنی به فرد کمک می‌کند تا قادر باشد به درستی و به خوبی در جامعه فعالیت کند، به منافع عمومی توجه کند، در فرآیندهای تصمیم‌گیری شرکت کند و به نحو احسن به هم‌راهی و همانندیشی با دیگر اعضای جامعه بپردازد. ضمناً تربیت مدنی فرد راهنمایی می‌کند تا از حقوق خود آگاه باشد و در حفظ حقوق خود و دیگران مقاومت کند (مالتسوا^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). تربیت مدنی یک فرآیند چندجانبه است که از طریق آموزش در خانواده، مدارس و محیط‌های دیگری مانند محل

1 Shek

2 civil education

3 Wanasinghe

4 Campbell

5 Maltseva

کار یا جامعه، ارتقاء پیدا می‌کند. اهداف تربیت مدنی شامل تقویت هویت شهروندی فرد، آموزش ارزش‌های مدنی و اجتماعی، تقویت مهارت‌های اجتماعی و ترویج مشارکت در جامعه است (سیم و چاو، ۲۰۱۹).

توسعه قانون‌گرایی، متضمن دو شرط اساسی زیر است: الف) قانون مدنی مورد نظر در تربیت مدنی، خود قانونی است برخواسته از متن قوانین دینی. ب) ساختار سیاسی جامعه که باید دارای نهاد یا نهادهای تضمین‌کننده سلامت قانون بی‌تعارض با قوانین دینی باشد. بر این اساس، قانون‌گرایی، دیگر مبتنی بر حفظ مصالح اجتماعی یا ممانعت از تراحم منافع نخواهد بود، بلکه بر مراعات یکی از تکالیف الهی مبتنی خواهد گردید. بر این اساس ضمانت اجرایی قانون (قبل از پلیس و قوای قهریه خارجی) تربیت مدنی خواهد بود؛ البته آن نوع از تربیت مدنی که در رشد اعتقاد مردم به توحید ربوبی و معیت حق و درک محضر الهی، قرین توفیق بوده باشد. بنابر بحث فوق معلوم می‌شود که تربیت مدنی از دیدگاه اسلام، عبارت است از جریان پرورش شهروندانی برای امت اسلامی، که ضمن تأثر از مبانی معرفتی دین و تربیت دینی، خود در خدمت تربیت دینی باشند. بنابراین تربیت مدنی هم براساس توحید استوار است و هم به سوی توحید نشانه می‌رود؛ چون این تربیت در بستر وسیع‌تر «تربیت دینی» معنا پیدا می‌کند. با وجود اینکه قانون‌پذیری یکی از ارکان مهم تربیت مدنی محسوب می‌شود، تاکنون پروتکل مدون و علمی برای تربیت شهروندان قانون‌پذیر در راستای تربیت مدنی آنها رخ نداده است. در خصوص جمعیت مرتکب جرم، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا اگر تربیت افراد جامعه از همان دوران کودکی و نوجوانی به شیوه‌ای صحیح و هماهنگ با هنجارهای جامعه صورت گیرد، میزان پذیرش قانون در مراحل بعدی زندگی افراد بیشتر خواهد بود. تربیت قادر است انسانهایی هنجرامند و قانون‌پذیر به جامعه تحویل بدهد. هرگونه دوگانگی و تضاد بین نظام تربیتی و اخلاقی خانه و مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی موجب تعارضات شخصیتی می‌گردد.

پژوهشگران حوزه روانشناسی و علوم اجتماعی همواره به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر قانون-پذیری هستند که بر اساس برخی از پژوهش‌ها، متغیرهایی مانند بهزیستی روانشناختی^۱ (دانگ و

1 Sim., & Chow

2 psychological wellbeing

زب^۱، (۲۰۲۲)، همدلی^۲ (مولکانو^۳، ۲۰۱۴)، عزت نفس^۴ (وانگ^۵، ۲۰۲۳) و خودکنترلی^۶ (هیدیا^۷، ۲۰۲۱) با قانون‌پذیری مرتبط هستند. همچنین تربیت مدنی در هر قرائتی معمولاً با سه بحث مرتبط است: «تعریف ماهیت دولت سیاسی»، «ماهیت شهروندی» و «ارتباط فرد و جامعه» که در کنار آن اهمیت و نقش فرهنگ شهروندی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های ایجاد جامعه خوب و شایسته و کارکرد این فرهنگ در حل مسائل شهری از یک طرف و فقدان پژوهش‌های تجربی در خصوص فرهنگ شهروندی و مؤلفه‌های آن از طرف دیگر بر اهمیت این موضوع دلالت دارد و به همین خاطر، پژوهش حاضر بر اساس ترکیب این متغیرها مداخله‌ای را طراحی کرده و اقدام به بررسی اثربخشی آن بر روی این متغیرها و متغیر قانون‌پذیری کرده است. از سویی دیگر، زنان با اینکه نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، ولی در عرصه‌های مختلف حضوری بسیار کم‌رنگ دارند. این مسأله، ایران را در زمره ضعیف‌ترین کشورها به لحاظ شکاف جنسیتی در حوزه‌های مختلف قرار داده است. امروز زنان به رغم تلاش‌های ۴۰ ساله و افزایش توانمندی‌ها، سهم بسیار اندکی از سطوح مدیریت کلان کشور را در اختیار دارند که از مهم‌ترین پیش شرط‌های رسیدن به توسعه قانون‌پذیری، در تمام کشورها، استفاده از تمام امکانات و منابع موجود، از جمله نیروی زنان، است. زنان در جامعه و خانواده نقش مؤثری دارند و می‌توانند در رسیدن به توسعه قانون‌پذیری مسئولیت‌های جدی و مهمی را به عهده بگیرند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، طراحی مداخله‌ای مبتنی بر نظامات قانونی برای تربیت مدنی و قانون‌پذیری زنان مجرم می‌باشد

1 Dong & Zeb
2 empathy
3 Molchanov
4 self esteem
5 Wong
6 self-control
7 Hidia

مبانی نظری

قانون‌پذیری به معنی «میزان پذیرش قانون توسط افراد جامعه» است که به طور کلی، به میزانی اشاره دارد که افراد به یک قانون موجود در جامعه پایبند هستند و به آن اعتماد دارند و آن را رعایت می‌کنند یا خیر. قانون‌پذیری به واکنش افراد به قوانین و دستوراتی که در جامعه به آنها اعمال می‌شود، مربوط است. قانون‌پذیری ممکن است بسته به شرایط مختلف بافت جامعه، سطح آموزشی و فرهنگی و دسترسی به اطلاعات و غیره متفاوت باشد. همچنین، عدالت، رعایت حقوق شهروندی، شفافیت، ارائه توجیه صادقانه و نظام‌مندی از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر میزان پذیرش قوانین تأثیر بگذارند (انریکوز، ۲۰۱۹).

قانون‌پذیری یا پذیرش قانون به منظور شناسایی و توجیه دلایلی که موجب پذیرش یا عدم پذیرش قوانین توسط افراد شده و بررسی عواملی که بر پذیرش و توجیه مردم از قوانین تأثیر می‌گذارد، بررسی می‌شود. قوانین و قواعدی که پذیرش آنها برای افراد در جامعه مهم است، شامل قوانین اساسی، قانون تعرفه‌های خدمات عمومی، قوانین مالی و مالیاتی، قوانین حقوقی و غیره می‌شود (وسیلیوا، ۲۰۲۰).

نظریه‌های مختلفی در خصوص قانون‌پذیری ارائه شده است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود:

تئوری رفتاری یک رویکرد نظری است که در زمینه مطالعه رفتار انسان‌ها تأکید دارد. بر اساس این تئوری، رفتار انسان‌ها به شدت تحت تأثیر محیط و موقعیت‌های اجتماعی است. این تئوری می‌تواند برای توضیح پذیرش قوانین و قانون‌پذیری نیز به کار گرفته شود. یکی از عوامل مهم در تعدد دیدگاه‌ها و تفاوت‌های نظری درباره قوانین، برگرفته از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است. درون هر مجموعه فرهنگی و اجتماعی، ممکن است به دلیل تفاوت‌ها در باورها، مقداری برای پذیرش یا رد قوانین، متفاوت باشد. به طور مثال، افرادی که در جوامع تحت تأثیر کشورهای با نظام حکومتی جمهوری و دموکراسی فعالیت می‌کنند، معمولاً تمایل دارند تا به قوانین و مقررات حکومتی پایبند باشند و قوانین را با پذیرش آنها به نظام اشاره کنند. از طرف دیگر، در

1 Enriquez
2 Vasilyeva

جوامعی که دارای ساختاری اعتماد به نفس یا انحصاری هستند، افراد ممکن است تمایل داشته باشند تا قوانین را دور زنند، زیرا معتقدند در این نوع جوامع، قوانین برای یک گروه معین طراحی شده‌اند و برای سایر اعضای جامعه پذیرفتنی نیستند. بنابراین، تئوری رفتاری می‌تواند نقش مؤثری در تفسیر پذیرش قوانین و قانون‌پذیری داشته باشد، زیرا به شدت تأکید دارد که رفتار انسان‌ها طبیعتاً تحت تأثیر محیط و شرایط مختلف قرار می‌گیرد (ویلیامسون و سندگرن، ۲۰۲۱).

نظریه هویت‌گرایی در مورد قانون‌پذیری به‌عنوان پدیده‌ای مرتبط با شناخت هویت فردی انسان و نقش آن در رفتارهای اجتماعی، توضیحاتی ارائه داده‌اند. یکی از موضوعات هویت‌گرایی، هویت اجتماعی است که بر این اساس که هویت فردی با گروه‌های اجتماعی او در تعامل است، تأکید می‌کند که گروه هدف، به‌عنوان یک ارجاع اجتماعی، می‌تواند بر رفتار فرد تأثیرگذار باشد. در مورد قانون‌پذیری، لازم به ذکر است که در بسیاری موارد، تأکید بر اینکه فقط یک گروه خاص از افراد علاقمند به پذیرش قوانین هستند، شاید برای افراد هویت‌گرا و جامعه‌گرایی موثر باشد که اصول و مقررات جامعه را قبول کرده و به‌عنوان یک عضو از آن به‌شمار بیایند. به‌عنوان مثال، افرادی که به‌عنوان بخشی از یک گروه مذهبی، قوانین مذهبی را به‌شدت رعایت می‌کنند، ممکن است تمایل داشته باشند تا در شناخت خود به‌عنوان یک فرد موثر در جامعه، ابتدا قانون را قبول کرده و به‌عنوان یک عضو قانون‌پذیر به‌شمار بیایند. بنابراین، تئوری‌های هویت‌گرایی می‌توانند در توضیح پذیرش قوانین و قانون‌پذیری تأثیرگذار باشند، زیرا به‌شدت تأکید دارند که هویت فردی رابطه مستقیم با گروه‌های اجتماعی او دارد. به‌عبارت دیگر، هویت فردی می‌تواند تأثیرگذار بر رفتار فردی و پذیرش قوانین باشد که شاید به دلیل هویت گروهی است که فرد به آن تعلق دارد (دانگ و زب، ۲۰۲۲).

نظریه جهت‌گیری درونی، یکی از نظریه‌های مرتبط با موفقیت و پذیرش قوانین و مقررات است. بر اساس این نظریه، افرادی که از جهت‌گیری درونی برخوردارند، اعتقاد دارند که می‌توانند برای رسیدن به موفقیت، با تلاش، نقش فعالی در کنترل هدف‌های شخصی خود بازی کنند و به‌تنهایی مسئولیت موفقیت و شکست خود هستند. در مورد پذیرش قوانین، افرادی که درونی جهت‌گیر هستند، معمولاً تمایل دارند به جای تلاش برای دور زدن قوانین و پیچیدن به چالش‌های

1 Williamson, & Sandgren

آن، به آن‌ها پایبند باشند. این افراد اعتقاد دارند که به پیوستن به جامعه، قراردادهای و اصولی که برای نظم اجتماعی ضروری هستند، پایبندی لازم دارند. در رابطه با پذیرش قوانین، این نظریه معتقد است که افرادی که درونی جهت گیر هستند، به دلیل اینکه باور دارند که عملکرد و موفقیت آنها به تلاش و توانایی شخصی آنها بستگی دارد، به نظام احترام بیشتری خواهند داشت و امید بیشتری در کنترل نتیجه اعمالشان خواهند داشت. این امر می‌تواند باعث شود که به راحتی قانون‌ها را پذیرفته و در قبال رعایت آنها، احساس کنترل بیشتری داشته باشند (عرب و موسوی‌زاده، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

در این بخش، ما به بررسی برخی از منابع و مطالعات مرتبط با موضوع تربیت مدنی و پیشگیری از جرم و افزایش قانون‌پذیری می‌پردازیم. این منابع شامل مقالات، کتاب‌ها، گزارش‌ها و سندهایی هستند که از دیدگاه‌های مختلف به این موضوع نگاه کرده و نظریه‌ها، مدل‌ها، راهکارها و تجربیاتی را ارائه داده‌اند.

یکی از منابعی که به موضوع تربیت مدنی و پیشگیری از جرم و افزایش قانون‌پذیری پرداخته است، کتاب «تربیت مدنی و جرم: راهکارهای آموزشی برای پیشگیری و مداخله» نوشته جان ویلسون و همکاران (۲۰۱۹) است. این کتاب با استفاده از داده‌های تجربی و مطالعات موردی، نشان می‌دهد که چگونه تربیت مدنی می‌تواند به کاهش میزان جرم و خشونت در جوامع مختلف کمک کند. نویسندگان این کتاب از تعریف گسترده تربیت مدنی به عنوان «فرایندی که افراد را قادر می‌سازد که به عنوان شهروندان فعال، مسئول و متعهد در جامعه شرکت کنند» استفاده می‌کنند و مدل‌های آموزشی مختلفی را برای اجرای تربیت مدنی در محیط‌های مختلف مانند مدرسه، خانواده، محل کار، زندان و غیره معرفی می‌کنند. آن‌ها همچنین به بررسی چالش‌ها و موانعی که در اجرای تربیت مدنی وجود دارند می‌پردازند و راهکارهایی را برای رفع آن‌ها ارائه می‌دهند. این کتاب یک منبع مفید و کاربردی برای پژوهشگران، معلمان، مشاوران، مدیران، سیاست‌گذاران و هر کسی که به موضوع تربیت مدنی و جرم علاقه‌مند است، محسوب می‌شود (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۹).

یک منبع دیگری که به موضوع تربیت مدنی و پیشگیری از جرم و افزایش قانون‌پذیری پرداخته است، گزارش "تربیت مدنی و پیشگیری از جرم: راهنمای عملی برای مداخلات موثر" نوشته سازمان ملل متحد (۲۰۲۰) است. این گزارش با استفاده از شواهد علمی و تجربی، نشان می‌دهد که چگونه تربیت مدنی می‌تواند به پیشگیری از جرم و خشونت در سطح فردی، گروهی و جامعه‌ای کمک کند. این گزارش از تعریف محدود تربیت مدنی به عنوان "فرایندی که افراد را قادر می‌سازد که به عنوان شهروندان مسئول و متعهد در جامعه شرکت کنند و از حقوق و تکالیف خود آگاه باشند" استفاده می‌کند و عناصر کلیدی تربیت مدنی را شامل دانش، نگرش، مهارت و رفتار معرفی می‌کند. این گزارش همچنین به بررسی اهداف، محتوا، روش‌ها، ارزیابی و پایش تربیت مدنی می‌پردازد و مثال‌هایی از مداخلات موثر تربیت مدنی در سطح جهانی را ارائه می‌دهد. این گزارش یک منبع مرجع و راهنما برای طراحی، اجرا و ارزیابی تربیت مدنی و پیشگیری از جرم در سطح ملی و بین‌المللی است (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰).

پژوهش‌های مختلفی در خصوص قانون‌پذیری و متغیرهای مرتبط با آن انجام شده است. به طور مثال، جلیلیان (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که عوامل روانشناختی و ویژگی‌های شخصیتی در وقوع جرم نقش دارند و جهت کاهش جرم باید به عوامل روانشناختی مرتبط با آن پرداخت. شیدایی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی را در خصوص ویژگی‌های شخصیتی مجرمان زندانی قتل، سرقت و مواد مخدر انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که ویژگی‌های شخصیتی مجرمان با افراد عادی تفاوت معناداری دارد. واسان^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی که در پاکستان انجام دادند، مدلی را برای ارتقای قانون‌پذیری افراد ارائه دادند و نشان دادند که این مدل منجر به کاهش جرم می‌شود.

همچنین، مولکانو (۲۰۱۴) در پژوهش خود در خصوص نوجوانان به این نتیجه دست یافت که قانون‌پذیری منجر به ارتقای همدلی می‌شود. وسیلیوا (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که قانون‌پذیری امری رفتاری و قابل یادگیری است و از طریق بهبود نظام آموزشی در کشورها

1 Wassan

می‌توان آن را ارتقا داد. هسلینک و یونز^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که با ارتقای بهزیستی روانشناختی در افراد جامعه، احتمال ارتکاب جرائم کمتر می‌شود. در کنار این پژوهش‌ها نیز دانگ و زب (۲۰۲۲) در پژوهش خود نقش نظام آموزشی را در قانون‌پذیری افراد مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که هرچه پرداختن نظام آموزشی به مسائل مرتبط با سلامت روانی و بهزیستی روانشناختی بیشتر باشد، قانون‌پذیری در افراد جامعه بیشتر خواهد بود. ساکوا و اشتوان^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که قانون‌پذیری با انگیزه‌های درونی و تمایلات فرد مرتبط است و جهت ارتقای قانون‌پذیری باید بر روی این انگیزه‌ها از طریق آموزش کار کرد و در نهایت، وانگ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که قانون‌پذیری از طریق آموزش‌های اخلاقی و رفتاری قابل ارتقا است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک طرح آزمایشی تک‌آزمودنی از نوع ABA است. جامعه هدف در این پژوهش مجرمان ارجاع داده شده به کلینیک آمین شهرستان قم بودند. از میان جامعه آماری تعداد سه نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند برای شرکت در طرح انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه قانون‌پذیری استفاده شد. پرسشنامه قانون‌پذیری مجموعاً شامل ۶۷ ماده بوده و برگرفته از ۴ پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹)، عزت‌نفس کوپر اسمیت، همدلی کوهن و خودکنترلی جنسی اسماعیلی (۱۳۹۴) است.

مقیاس بهزیستی روانشناختی توسط ریف (۱۹۸۹) جهت ارزیابی بهزیستی روانشناختی ساخته شده است. نسخه ترجمه و هنجاریابی شده این مقیاس در ایران، دارای ۱۸ ماده و ۶ بعد (پذیرش خود، خود مختاری، هدف در زندگی، تسلط بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران) است. ریف و سینگر (۲۰۰۶) همبستگی این آزمون را با مقیاس ۸۴ سوالی این پرسشنامه از ۰/۷۰ تا ۰/۸۹ گزارش نمودند. در ایران خانجانی (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ کلی این مقیاس را ۰/۷۱ گزارش نمود و با استفاده از تحلیل عاملی نشان داد که تمامی عامل‌های این پرسشنامه از برازش خوبی برخوردار هستند. همچنین کوچکی و بیابانی (۱۳۸۷) بررسی روایی، ضرایب همبستگی مقیاس

1 Hesselink & Booyens

2 Suchkova, & Shtefan

بهزیستی روان‌شناختی با مقیاس رضایت از زندگی^۱ (دینر^۲، ۱۹۸۵)، پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۳ (آرگیل^۴، ۲۰۰۱) و پرسشنامه حرمت خود^۵ (روزنبرگ^۶، ۱۹۶۵) محاسبه شد و به ترتیب ضرایب ۰/۴۷، ۰/۵۸، ۰/۴۶ به دست آمد (کوچکی و بیابانی، ۱۳۸۷). ساداتی فیروزآبادی و ملتفت (۱۳۹۶) نیز به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه پرداختند. در پژوهش مذکور، به منظور بررسی پایایی آزمون از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده شد. نتایج همسانی درونی برای ۶ مؤلفه پذیرش خود، خود مختاری، هدف در زندگی، تسلط بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب ضرایب ۰/۹۲، ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۷۸، ۰/۸۱ و ۰/۹۸ بدست آمد. همچنین پایایی این مقیاس با شیوه دوباره‌سنجی بر روی یک گروه ۳۰ نفری با فاصله زمانی ۱۵ روز محاسبه شد که نتایج دامنه همبستگی بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ را برای مولفه‌های بهزیستی بدست داد. همچنین این پژوهش روایی این پرسشنامه را به روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار داد.

پرسشنامه عزت نفس کوپراسمیت (۱۹۹۰) دارای ۵۰ ماده اصلی و ۸ ماده دروغ‌سنج است. چنانچه آزمودنی از ۸ ماده دروغ‌سنج بیش از چهار نمره بیاورد به آن معنی است که اعتبار آزمون پایین است و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه دهد. ماده‌های اصلی در ۵ عزت نفس اجتماعی، خانوادگی، شغلی، عاطفی و خودانگاره مثبت توزیع شده است. این مقیاس علاوه بر ۵ زیرمقیاس، یک نمره کلی به دست می‌دهد. ماده‌های مربوط به خرده مقیاس‌ها در این پرسشنامه نیز، به صورت پراکنده جاگذاری شده است. مقیاس پرسشنامه به صورت بلی و خیر و شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است. بدیهی است که حداقل نمره‌ای که یک فرد می‌تواند بگیرد صفر و حداکثر آن ۵۰ است. افرادی که در این آزمون نمره بالاتر از ۲۵ کسب کند دارای حرمت خود بالا و فردی که پایین‌تر از این مقدار به دست آورد، دارای حرمت خود پایین می‌باشد (عباسی، سپاهی، خوشابی، ایران‌فر و تیماره، ۱۳۹۱). کوپراسمیت

1 Life Satisfaction Scale

2 Deiner

3 Oxford Happiness Questionnaire

4 Argyle

5 Self-Esteem Questionnaire

8-Rosenberg

(۱۹۹۰) ضرایب بازآزمایی این آزمون، بعد از ۳۵ روز ۰/۸۸ و بعد از سه سال ۰/۷۰ گزارش کرد. اعتبار این آزمون در مطالعات انجام شده به روش دو نیمه کردن و ضریب همبستگی ۰/۸۳ تعیین شده است (مرادی کردلر و مصرآبادی، ۱۳۹۴). اعتبار این پرسشنامه در یک مطالعه از روش دو نیمه کردن برابر با ۰/۸۳ به دست آمد (فلسفی نژاد، ۱۳۷۲). لارا کانتو و دیگران (۱۹۹۳) به بررسی روایی و اعتبار آزمون حرمت خود کوپراسمیت در یک نمونه ۴۱۱ نفری در مکزیک پرداختند. (ذوالفقاری، ۱۳۷۷). علامه (۱۳۸۴) برای محاسبه روایی این پرسشنامه از روش همبسته کردن آن با نمره‌های مقیاس اضطراب اجتماعی استفاده کرد و ضریب اعتبار ۰/۵۳- را به دست آورد. در این پژوهش پرسشنامه عزت نفس کوتاه شده و تعداد ماده‌های آن به ۲۲ ماده کاهش یافته است سپس ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه جدید در یک گروه نمونه ۲۱۱ نفره به دست آمده است. عباسی و همکاران (۱۳۹۱) روایی همگرایی این پرسشنامه را برابر با ۰/۸۹ و پایایی آن را به روش دو نیمه کردن برابر با ۰/۷۸ به دست آوردند.

پرسشنامه همدلی بارن کوهن دارای ۲۶ ماده بوده و هدف آن ارزیابی بهره همدلی از ابعاد مختلف (شناختی، مهارت‌های اجتماعی، واکنش پذیری هیجانی) است. نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه ای می باشد که امتیاز مربوط به هر گزینه در جدول زیر ارائه شده است. بارن کوهن و همکاران (۲۰۰۳) روایی این پرسشنامه را مورد تأیید قرار دادند و آلفای کرونباخ آن را برابر با ۰/۸۹ به دست آوردند. روایی و پایایی در پژوهش ابوالقاسمی (۱۳۸۸) ضریب روایی این مقیاس که بر اساس ضریب همبستگی بین مقیاس بهره همدلی با دو مقیاس هوش هیجانی و مقیاس ۲۱ داس، به دست آمد، به ترتیب ۰/۲۷ و ۰/۳۲ بود. برای بررسی اعتبار مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شد که مقدار این ضریب پس از چهار هفته ۰/۸۰ بدست آمد. در این پژوهش این پرسشنامه به فرم کوتاه شده‌ای تبدیل شده است که تعداد ماده‌های آن به ۱۳ ماده رسید و ویژگی‌های روانسنجی نسخه جدید محاسبه شد. علوی (۱۳۹۰) نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برابر با ۰/۸۹ به دست آورد.

پرسشنامه خودکنترلی جنسی توسط اسماعیلی (۱۳۹۴) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۵۲ ماده و سه زیرمقیاس شناختی، عاطفی و نگرش و عملی است. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه در پژوهش اسماعیلی (۱۳۹۴) مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. همچنین پایایی با

استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی شده که برابر با ۰/۹۱ برای زیرمقیاس شناختی، ۰/۸۶ برای زیرمقیاس عاطفی و ۰/۸۳ برای زیرمقیاس نگرشی و عمل است. در این پژوهش این پرسشنامه به فرم کوتاه شده‌ای تبدیل شده است که تعداد ماده‌های آن به ۱۴ ماده رسید و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه جدید محاسبه شد.

روایی پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش به دو روش افتراقی و همگرا مورد تأیید قرار گرفت و آلفای کرونباخ برای مؤلفه بهزیستی روانشناختی برابر ۰/۷۷، برای مؤلفه عزت نفس برابر ۰/۷۲، برای مؤلفه همدلی ۰/۷۶ و برای مؤلفه خودکنترلی جنسی برابر با ۰/۷۹ به دست آمد. پروتکل استفاده شده در این پژوهش توسط عباسی، جان‌بزرگی و شاهرودی (۱۴۰۲) تهیه شده است. این پروتکل شامل ۶ جلسه است و مفاهیم اساسی عقل فطری، همدلی، عزت نفس، وجدان‌گرایی، قانون‌پذیری و خودکنترلی را در بر می‌گیرد: موضوعات هر یک از جلسات این پروتکل در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. عناوین جلسات پروتکل قانون‌پذیری

جلسه	موضوع
اول	فعال سازی کارکردهای فطری عقل
دوم	عزیمت از تشخیص عقلانی به همدلی با دیگران
سوم	فعال سازی همدلی اجتماعی
چهارم	عزیمت از همدلی با دیگران به فعال سازی وجدان‌گرایی
پنجم	تسهیل وجدان‌گرایی با تقویت کرامت نفس (تحلیل و کنترل شرم)
ششم	اقدام به قانون‌پذیری

لازم به ذکر است که جهت تحلیل داده‌های پژوهش با توجه به اینکه طرح پژوهشی از نوع تک آزمودنی بود، از روش توصیفی استفاده شد.

سؤال پژوهش

آیا مداخله‌ای مبتنی بر نظامات قانونی برای تربیت مدنی و قانونی‌پذیری زنان مجرم اثر مثبت دارد؟

یافته‌های پژوهش

در این بخش، تحلیل دیداری مربوط به نمرات قانون‌پذیری مشارکت‌کنندگان براساس مقیاس قانون‌بررسی می‌شود. نمرات خام مشارکت‌کنندگان در مقیاس قانون‌پذیری در جدول ذیل و در ادامه نمودار مربوطه ارائه شده است. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که هر سه مشارکت‌کننده در مرحله خط پایه در مقیاس قانون‌نمره‌ای بالاتر از ۱۳۹ دارند که بیانگر میزان قانون‌بیش از حد متوسط در آنها است. روند نمرات هر سه مراجع در این مقیاس در دو مرحله خط پایه و پیش-آزمون تغییرات کمی داشته است اما بعد از جلسات مداخله در پس‌آزمون نمره هر سه مشارکت‌کننده در این مقیاس افزایش را نشان داده است که نشان‌دهنده موثر بودن این مداخله در تربیت مدنی و ارتقاء قانون‌پذیری مراجعین می‌باشد. بخش قابل توجهی از تغییرات به دست آمده در جلسات مداخله، در دوره پیگیری نیز تداوم داشته است.

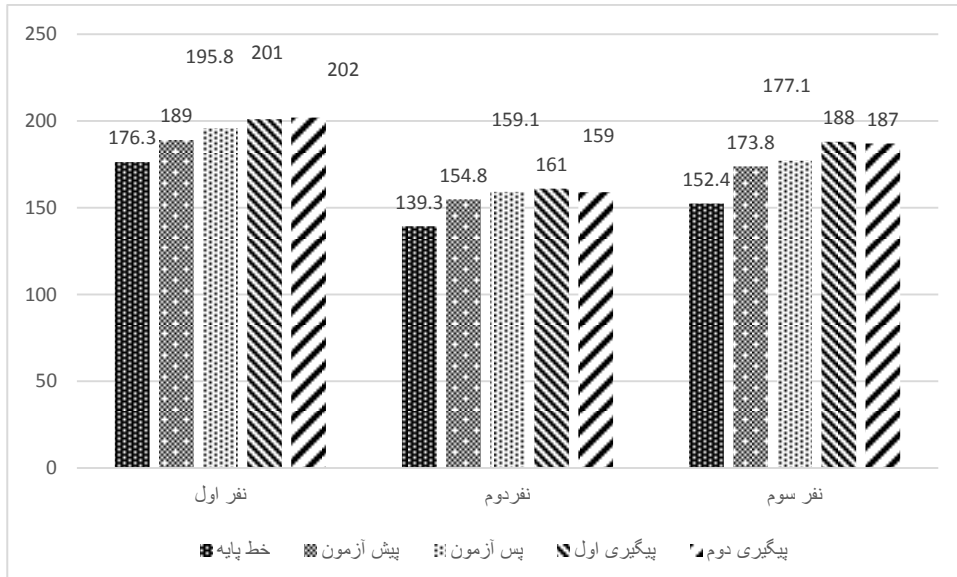
جدول ۲. نمرات مشارکت‌کنندگان در مقیاس خویشن‌داری در مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری

مراحل سنجش	مراجعه اول	مراجعه دوم	مراجعه سوم
خط پایه	اول	۱۳۹	۱۵۵
	دوم	۱۳۹	۱۴۱
	سوم	۱۳۹	۱۵۵
	چهارم	۱۴۰	۱۵۵
	پنجم	-	۱۵۶
	میانگین	۱۳۹/۲	۱۵۲/۴
پیش آزمون	اول	۱۵۸	۱۷۴
	دوم	۱۶۰	۱۷۳
	سوم	۱۵۸	۱۷۶
	چهارم	۱۵۶	۱۷۵
	پنجم	۱۵۲	۱۷۶
	ششم	۱۴۵	۱۶۹
	میانگین	۱۵۴/۸	۱۷۳/۸
پس آزمون	اول	۱۶۷	۱۸۰
	دوم	۱۶۳	۱۸۳

۱۸۳	۱۶۴	۱۹۷	سوم	
۱۶۰	۱۶۰	۱۹۶	چهارم	
۱۷۷	۱۵۳	۱۹۴	پنجم	
۱۸۰	۱۴۸	۱۹۱	ششم	
۱۷۷/۱	۱۵۹/۱	۱۹۵/۸	میانگین	
۱۶	۱۴	۱۱	درصد بهبودی	
	۱۴		درصد کلی	
۱۸۸	۱۶۱	۲۰۱	اول	پیگیری
۱۸۷	۱۵۹	۲۰۲	دوم	
۱۸۷/۵	۱۶۰	۲۰۱/۵	میانگین	
۲۳	۱۵	۱۴	درصد بهبودی	
	۱۷		درصد کلی	

طبق شاخص بهبودی گزارش شده در جدول فوق درصد بهبودی مراجع اول در پایان جلسات مداخله بنا بر نمرات مقیاس قانونمندی ۱۱ درصد و برای مراجع دوم ۱۴ درصد و برای مراجع سوم ۱۶ درصد بوده است. میزان بهبود کلی برای هر سه مشارکت کننده ۱۴ درصد است این میزان بهبودی نشان از کارآمدی مداخله در تربیت مدنی و افزایش قانونمندی دارد. درصد بهبودی مراجع اول در دوره پیگیری نیز ۱۴ درصد و برای مراجع دوم ۱۵ درصد و برای مراجع سوم ۲۳ درصد بوده است. میزان بهبودی کلی برای هر سه مشارکت کننده در دوره پیگیری ۱۷ درصد است. این درصد بهبودی نشان از پایداری اثر مداخله دارد.

در ادامه تغییرات ایجاد شده در این نمرات در قالب نمودار برای هر یک از شرکت کنندگان ارائه می‌گردد. نمودار (شکل ۱) مربوط به تغییرات نمرات در شرکت کننده‌ها است.



شکل ۱. نمودار مشارکت کنندگان در پرسشنامه قانونمندی

از این رو پروتکل قانون‌پذیری بر تربیت مدنی و قانون‌پذیری زنان مجرم اثر مثبت از خود نشان داده است؛ بنابراین جهت ارائه راهکارهای عملی در توسعه تربیت مدنی و قانون‌پذیری می‌توان موارد زیر را در نظر گرفت که با توجه به گستردگی دامنه قانون‌پذیری، این شاخص‌ها در ابعاد گوناگون فرهنگی، شخصیتی و روانی، اجتماعی و حقوقی قابل مطالعه است.

جدول ۳. راهکارهای تربیت مدنی

نگرش مثبت به قانون	نگرش مثبت به قانون افکار و شخصیت افراد را متأثر ساخته و نمود عینی خود را در رفتارهای آنها پیدا می‌کند.
کاهش ارتکاب جرائم	قانون‌پذیری یک دفاع اجتماعی را در مقابل جرائم و بزهکاری به وجود می‌آورد.
افزایش مشارکت اجتماعی	بین قانون‌پذیری و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. افرادی که درجه قانون‌پذیری آن‌ها بیشتر است، معمولاً در بسیاری از امور اجتماعی عام‌المنفعه مشارکت پیدا می‌کنند.
بالا بودن انسجام اجتماعی	در جامعه‌ای که افراد آن احترام به قانون و رعایت آن را برای خود یک فریضه به حساب می‌آورند، می‌توان درجه بالایی از انسجام اجتماعی را

در آن جامعه مشاهده نمود	
هر چه درجه قانون‌پذیری افراد جامعه بیشتر باشد، حاکمیت نظام حقوقی و تثبیت کارکردهای آن تسهیل می‌شود.	تثبیت نظام حقوقی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش طراحی مداخله‌ای مبتنی بر نظامات قانونی برای تربیت مدنی و قانون‌پذیری زنان مجرم بود. یافته اصلی پژوهش این بود که مداخله قانون‌پذیری در راستای تربیت مدنی شهروند قانون‌پذیر می‌تواند منجر به ارتقای قانون‌پذیری و تربیت مدنی آزمودنی‌ها شود. این یافته هم از طریق تحلیل آماری و هم از طریق مصاحبه بالینی با آزمودنی‌ها حاصل شد. واسان و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی که در پاکستان انجام دادند، مدلی را برای ارتقای قانون‌پذیری افراد ارائه دادند و نشان دادند که این مدل منجر به کاهش جرم می‌شود. ساکوا و اشتوان (۲۰۱۹) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که قانون‌پذیری با انگیزه‌های درونی و تمایلات فرد مرتبط است و جهت ارتقای قانون‌پذیری باید بر روی این انگیزه‌ها از طریق آموزش کار کرد. وانگ (۲۰۲۳) نیز در این زمینه به نتایج مشابهی دست یافت. گودرزی (۱۴۰۲) در پژوهشی عقل را دارای نقش تاثیر آفرین بر رشد و هماهنگی انسان با اجتماع معرفی می‌کند که با فعال‌سازی عقل در این پژوهش همسوست. همچنین طباطبائی‌نیا (۱۴۰۲) و امیدی و همکاران (۱۴۰۱) اخلاق را مهمترین عامل سازگاری و هماهنگی با اجتماع معرفی می‌کنند که با فعال‌سازی سازه‌های اخلاقی در پروتکل حاضر کاملاً منطبق است. به علاوه این یافته‌ها با نظریه‌های موجود در زمینه تربیت مدنی و قانون‌پذیری همخوانی دارند. برخی از پژوهشگران معتقدند که تربیت مدنی یک فرایند آموزشی است که با فراهم آوردن قابلیت‌های شناختی، عاطفی و عملی در افراد، زمینه وقوع توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت را مهیا می‌کند (باقری، ۱۳۷۹). همچنین، برخی از پژوهشگران بر این باورند که قانون‌پذیری یکی از شاخص‌های اصلی جامعه مدنی است که نشان‌دهنده میزان احترام و پایبندی شهروندان به قوانین و مقررات اجتماعی است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، می‌توان گفت که تربیت مدنی و قانون‌پذیری دو مفهوم مترادف و متکامل هستند که به تقویت نظم، امنیت و توسعه اجتماعی کمک می‌کنند.

پروتکل طراحی شده در این پژوهش بر متغیرهایی شامل عقل فطری، همدلی، عزت نفس، وجدان گرایی و خودکنترلی متمرکز بود. نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که هر یک از متغیرهای عقل فطری، همدلی، عزت نفس، وجدان گرایی و خودکنترلی با تربیت مدنی و قانون‌پذیری رابطه مثبت دارند. بنابراین از این طریق تأثیر مداخله اجرا شده بر قانون‌پذیری قابل تبیین است. همچنین به نظر می‌رسد که مداخله روانشناختی متمرکز بر قانون می‌تواند به واسطه افزایش درک از خود و دیگران با احساسات و پذیرش تجربیات خود بدون داشتن دفاع مقابله‌ای یا سعی بر تغییر آنها به افزایش قانون‌پذیری در فرد کمک کند. این نوع مداخله، به فرد کمک می‌کند تا بتواند احساسات و تجربیات خود و دیگران را درک کند، آن‌ها را بپذیرد و به جای تلاش برای تغییر یا کنترل آن‌ها، با آن‌ها همدلی کند. این مداخله از طریق تکنیک‌هایی مانند مداخله متمرکز بر پذیرش و تعهد، آموزش مدیریت هیجانات و تمرینات خودسازی، به فرد کمک می‌کند تا روحیه انعطاف‌پذیری و پذیرش خود و دیگران را تقویت کند. با افزایش قانون‌پذیری فردی، شخص بهتر می‌تواند با تحول و نوسانات زندگی روبرو شود، احساسات را به طور سالم تجربه کند و روابط بهتری را ایجاد کند. همچنین، افزایش قانون‌پذیری به شخص کمک می‌کند تا از دیگران بهتر فهمیده شود و با تفاوت‌ها و تناقض‌ها در بین افراد برخورد کند. بنابراین، این مداخله می‌تواند بهبود قوانین‌پذیری فردی را تسهیل کند و ارتباطات اجتماعی و روابط بین فردی را بهبود بخشد.

بنابراین، پروتکل قانون‌پذیری از اهمیت بسیار زیادی برای بهبود روند قضایی و پیشگیری از جرایم دارد. این پروتکل به دنبال ارتقای قانون‌پذیری در جوامع مختلف است. در واقع، متغیرهای بهزیستی روانشناختی، عزت نفس، همدلی و خودکنترلی جنسی که در این پروتکل مطرح شده‌اند، باعث ایجاد یک محیط حمایتی می‌شود که احتمال ارتکاب جرم در آن کمتر است.

بنابراین، تربیت مدنی می‌تواند یک راهکار اجتماعی برای پیشگیری از جرم و بزهکاری باشد که با ایجاد و تقویت قابلیت‌های مدنی در افراد، آن‌ها را قادر می‌سازد که به صورت مسئولانه، همکارانه و مشارکتی در زندگی اجتماعی و سیاسی شرکت کنند و از ارتکاب اعمال غیرقانونی و ضداجتماعی پرهیز کنند. تربیت مدنی می‌تواند در محیط‌های مختلفی مانند خانواده، مدرسه، رسانه، محل کار، مراکز فرهنگی و هنری، سازمان‌های مدنی و حتی زندان‌ها انجام شود و با

استفاده از روش‌های مختلفی مانند آموزش، تربیت، مشاوره، راهنمایی، تشویق، تنبیه، بازخورد، الگوپذیری، تعامل، گفتگو، بازی، تمرین، شبیه‌سازی و غیره به اهداف خود برسد (احمدی، ۱۳۹۹).

با توجه به یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که پروتکل طراحی شده جهت مداخله قانون-پذیری می‌تواند بر متغیرهای مختلف فردی و اجتماعی مانند عقل فطری، همدلی، عزت نفس، وجدان‌گرایی و خودکنترلی و قانون‌پذیری اثر مثبت بگذارد؛ که البته نیازمند بررسی‌های بیشتر در جمعیت‌های آماری بالاتر است. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتر و عمیق‌تری در زمینه تربیت مدنی و جرم و قانون‌پذیری زنان مجرم انجام شود. این پژوهش‌ها می‌توانند به شناسایی عوامل، مکانیزم‌ها، الگوها و پیامدهای تربیت مدنی و جرم و قانون‌پذیری زنان مجرم کمک کنند و نظریه‌ها، مدل‌ها، راهکارها و تجربیات جدیدی را ارائه دهند. به علاوه پیشنهاد می‌شود جهت توسعه تربیت مدنی و ارتقای سطح قانون‌پذیری در جامعه، این پروتکل برای اقشار مختلف جامعه اجرا شود.

فهرست منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۹۹). تربیت مدنی و پیشگیری از جرم. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۵(۴)، ۱-۲۶.
- امیدی، محمود، سبحانی نژاد، مهدی، میرزامحمدی، محمد حسن، ایمانی نایینی، محسن. (۱۴۰۱). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت اخلاقی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۰(۵۷)، ۱۵۱-۱۹۹.
- بیژنی میرزا، طیبه؛ محمدی، شهرام و حاتمی، مهدی (۱۳۹۷). نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد. فصلنامه تدریس پژوهی، ۶(۴)، ۲۳۸-۲۵۸.
- جلیلیان، خ. (۱۳۹۳). بررسی نقش شخصیت و عوامل روانشناختی در وقوع جرم، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- رحیمی، محمدرضا (۱۳۹۸). تربیت مدنی و توسعه پایدار. فصلنامه تحقیقات روان‌شناختی، ۲۲(۲)، ۱-۲۰.
- سازمان ملل متحد (۲۰۲۰). تربیت مدنی و پیشگیری از جرم: راهنمای عملی برای مداخلات موثر. ترجمه محمدرضا رحیمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیدایی، ر؛ رومیانی، ض؛ پیرخانی، ع و نورمحمدی، ح. (۱۳۹۲). ویژگی‌های شخصیتی مجرمان زندانی قتل، سرقت و مواد مخدر. کنگره ملی روانشناسی اجتماعی ایران.
- طباطبائی نیا، سیدرضا؛ رنجبران، داود؛ یوسفی، محمدرضا؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی. (۱۴۰۲). نقش تربیتی مدارا در تحکیم نظام خانواده از منظر صحیفه سجاده. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۸)، ۴۰۷-۳۷۳.
- قیصری گودرزی، کیومرث. (۱۴۰۲). تحلیل مفهوم عقل از دیدگاه امام علی علیه السلام و استنتاج دلالت‌های آن در مبانی و اصول تربیت عقلانی. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۱(۵۸)، -.
- ویلسون، جان؛ مور، جان؛ مک‌لارن، نیل و همکاران (۲۰۱۹). تربیت مدنی و جرم: راهکارهای آموزشی برای پیشگیری و مداخله. ترجمه محمدرضا احمدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Arab, B., & Mousavi Zadeh, S. S. (2023). The Role of Judiciary on Cultural components of Law-Abiding. *The Quarterly Journal of Judicial Law Views*, 26(93), 237-255.
- Börzel, T. A., & Sedelmeier, U. (2017). Larger and more law abiding? The impact of enlargement on compliance in the European Union. *Journal of European Public Policy*, 24(2), 197-215.
- Campbell, J. (2023). There is No Bruen Step Zero: The Law-Abiding Citizen and the Second Amendment. *University of the District of Columbia Law Review*, 26(1), 71.
- Dong, Y., & Zeb, S. (2022). Role of higher education system in promoting law abiding behavior among students. *Frontiers in Psychology*, 13, 1036991.
- Dong, Y., & Zeb, S. (2022). Role of higher education system in promoting law abiding behavior among students. *Frontiers in Psychology*, 13, 1036991.
- Enriquez, L. E. (2019). 12. Border-hopping Mexicans, law-abiding Asians, and racialized illegality: Analyzing undocumented college students' experiences through a relational lens. In *Relational formations of race* (pp. 257-277). University of California Press.

- Hesselink, A. M., & Booyens, K. (2021). Locked-Down, Locked-Up or a Double Lockdown for Inmates? A Criminological Analysis on the Psychosocial Impact of COVID-19 on Inmates. *Acta Criminologica: African Journal of Criminology & Victimology*, 34(3), 65-84.
- Kurbonova, O. U., Sharipova, S. K., & Tosheva, D. I. (2022). CIVIC CULTURE AS AN IMPORTANT COMPONENT OF THE UPBRINGING OF A HARMONIOUSLY DEVELOPED GENERATION. *Gospodarka i Innowacje*, 23, 221-225.
- Maltseva, O. V., Shulga, T. I., Kazakova, S. N., Kosolapova, N. V., Mironenkova, O. L., Belyakova, N. V., & Shabanova, O. V. (2020). Features of forming minors' law-abiding behavior: a socio-psychological aspect. *International journal of applied exercise physiology*, 9(4), 132-138.
- Molchanov, S. V. (2014). Empathy as the factor of moral dilemma solving in adolescence. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 146, 89-93.
- Orviska, M., & Hudson, J. (2003). Tax evasion, civic duty and the law abiding citizen. *European Journal of Political Economy*, 19(1), 83-102.
- Shek, D. T., Zhu, X., Li, X., & Dou, D. (2022). Satisfaction with HyFlex teaching and law-abiding leadership education in Hong Kong university students under COVID-19. *Applied Research in Quality of Life*, 17(5), 2833-2858.
- Sim, J. B. Y., & Chow, L. T. (2019). Confucian thinking in Singapore's citizenship education. *Journal of Moral Education*, 48(4), 465-482.
- Suchkova, E. L., & Shtefan, E. F. (2019). Problematique issues of motivation for law-abiding behavior in convicts serving their sentences under strict conditions of detention. *Psikhologiya i pravo= Psychology and Law*, 9(4), 236-248.
- Vasilyeva, K. K. (2020). The experience of educational influence on convicts in order to bring them to law-abiding behavior. *International Scientific Research Journal*, (7-3), 97.
- Wanasinghe, S. (2022). Contribution to the Development of Political Concepts of Civic Education among in Grades 10-11 in Sri Lanka. *Shanlax International Journal of Education*, 10(4), 45-51.
- Wassan, R., Bhatti, Z. A., Ahmed, S., Oad, S. S., & Detho, S. H. (2023). Implementing Community Policing Model for Crime Reduction: Lessons for Pakistan. *Journal of Social Sciences Review*, 3(1), 178-189.
- Williamson, T. L., & Sandgren, A. (2021). Law-abiding causal decision theory.
- Wong, W. L. (2023). Moral Education and Law-abiding Awareness: Blending of Ethical, Educational and Legal Perspectives into School Administration (John Lee & Kerry Kennedy).

